



University of Tehran Press

## Conceptualization of the Exception to the Rule of Obligatory Absolute Residence in the First Verse of Surah Talaq

Azam Ghiyasi Sani<sup>1\*</sup> | Fatemeh Fallah Tafti<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Imam Sadiq University, Iran. E-mail: [ghiasiazam@isu.ac.ir](mailto:ghiasiazam@isu.ac.ir)

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran. Email: [f.fallah@atu.ac.ir](mailto:f.fallah@atu.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
**Received:** 11 August 2025  
**Revised:** 01 December 2025  
**Accepted:** 05 January 2025  
**Published online:** 18 March 2026

**Keywords:**  
The first verse of Surah At-Talaq,  
The aggressor of the return,  
The open prostitute,  
The harassment of the married couple,  
The commission of adultery.

### ABSTRACT

Among the issues addressed in discussions of family dissolution is the requirement for a returning wife to remain in the marital home, as mandated in *Surah al-Ṭalāq*. The verse provides a single exception—when the woman commits *fāḥishah mubayyinah* (“a clear act of indecency”). However, jurists differ on the precise meaning of this term, interpreting it variously as offenses against the spouse and family, acts violating sexual chastity, or rebellion against the Imam. Using a descriptive-analytical method and drawing upon Qur’anic verses, transmitted narrations, and the opinions of leading jurists, this study explores these divergent interpretations. It concludes that *fāḥishah mubayyinah* in the Qur’an signifies any manifestly obscene act prohibited by Islamic law. Nevertheless, within the context of this verse—constituting an exception to the general obligation of residence—the term does not encompass every form of sin. Rather, it specifically refers to conduct that either infringes upon the rights of the husband or family by causing tangible harm, or constitutes an offense subject to *ḥadd* punishment, requiring the woman’s temporary departure for its enforcement. Consequently, the commission of other sinful acts does not annul the divorced woman’s right to remain in her marital home.

**Cite this article:** Ghiyasi Sani, A. & Fallah Tafti, F. (2026). Conceptualization of the Exception to the Rule of Obligatory Absolute Residence in the First Verse of Surah Talaq. *Islamic Jurisprudential Researches*, 22, (1), 57-67. <http://doi.org/10.22059/jorr.2026.397926.1009635>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.  
DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2026.397926.1009635>

**Publisher:** University of Tehran Press.



## مفهوم‌شناسی استننا از حکم وجوب سکونت مطلقه رجعیه در آیه اول سوره طلاق

اعظم غیائی ثانی<sup>۱\*</sup> | فاطمه فلاح تفتی<sup>۲</sup>۱. نویسنده مسئول، گروه فقه و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. رایانامه: [ghiasiazam@isu.ac.ir](mailto:ghiasiazam@isu.ac.ir)۲. گروه فقه و حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: [f.fallah@atu.ac.ir](mailto:f.fallah@atu.ac.ir)

## اطلاعات مقاله

## چکیده

## نوع مقاله:

پژوهشی

## تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۷

## کلیدواژه:

آیه اول سوره طلاق،

اذیت اهل زوج،

ارتکاب زنا،

فاحشه مبینه،

معتده رجعیه.

یکی از مسائل مورد بحث در انحلال خانواده مسئله باقی ماندن معتده رجعیه در منزل طلاق است که بر اساس آیه اول سوره طلاق امری واجب است. بر اساس این آیه، تنها استثنایی که بر این حکم آمده جایی است که زن مرتکب فاحشه مبینه می‌شود. در اینکه فاحشه مبینه چیست اختلاف وجود دارد و دیدگاه‌ها از آزار زوج و خانواده وی تا ارتکاب جرایم منافی عفت و حتی خروج بر امام متفاوت است. در این نوشتار که به روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است، با استناد به آیات و روایات و نظرات فقهای عظام، به بیان دیدگاه‌ها در مورد فاحشه مبینه می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که مراد از فاحشه مبینه در قرآن هر عمل زشت آشکاری است که شرع از آن نهی کرده. اما در خصوص این آیه که تعبیر فوق استننا بر حکم بقا در منزل طلاق است شامل هر گناهی نیست؛ بلکه مراد گناهیانی است که یا حق زوج و اهل او را با ایذا و امثال آن پایمال کند یا گناهی که مستوجب حد است و باید برای اجرای حد از خانه خارج شود؛ بنابراین با ارتکاب گناهان دیگر حق سکونت وی از بین نمی‌رود.

**استناد:** غیائی ثانی، اعظم و فلاح تفتی، فاطمه (۱۴۰۵). مفهوم‌شناسی استننا از حکم وجوب سکونت مطلقه رجعیه در آیه اول سوره طلاق. پژوهش‌های فقهی ۲۲ (۱)، ص ۶۷-۵۷

<http://doi.org/10.22059/jorr.2026.397926.1009635>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2026.397926.1009635>



## مقدمه

سوره طلاق شصت و پنجمین سوره و از سوره‌های مدنی قرآن است که در جزء بیست و هشتم جای دارد و ۱۲ آیه دارد. در ترتیب نزول، نود و نهمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. هفت آیه نخستین این سوره درباره موضوع طلاق و احکام و مسائل مربوط به آن است و به همین جهت نیز «طلاق» نام‌گذاری شده است. بخش دوم سوره عاقبت دو گروه را بیان می‌دارد؛ نخست کسانی که از فرمان خدا سرپیچی کرده و به کیفر شدید رسیده‌اند و دوم کسانی که با عمل صالح و پیروی از پیامبران مشمول هدایت‌های ویژه الهی و نعمت‌های بهشتی شده‌اند. در آیه اول این سوره که مورد بحث است خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»؛ ای پیامبر هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، پس در زمان عده آنان را طلاق دهید (زمانی که از عادت ماهیانه پاک شده و هنوز با شوهر همبستر نشده‌اند) و حساب (ایام) عده را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست پروا کنید. (در ایام عده) نه شما آنان را از خانه بیرون کنید و نه آنان بیرون روند، مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شوند (که در این صورت اخراجشان مجاز است). این دستورهای حدود خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویش ستم کرده است. تو نمی‌دانی. شاید خداوند، بعد از این، امر تازه‌ای پدید آورد.

در این آیه، به برخی از احکام طلاق پرداخته شده؛ از جمله طلاق دادن در پاکی، حساب عده را نگه داشتن، حکم سکونت زن در منزل در طلاق رجعی، و ... در این نوشتار به بررسی تحلیلی مفهوم تعبیر فاحشه مبینه، که استثنای از حکم عدم خروج معتده رجعیه در این آیه شده، پرداخته می‌شود. روش کار به این صورت است که پس از بیان نظرات لغویین، فقها، و مفسرین در رابطه با واژه (فاحشه مبینه) و استدلال‌های روایی آن‌ها، طی تحلیل مفصل، نظر صائب را استخراج می‌کنیم. با وجود اینکه زوجین و محاکم به این نص صریح قرآنی کمتر توجه می‌کنند، پرداختن به آن به نحوی احیای احکام شریعت است؛ به خصوص اینکه با مطالعه کتب فقهی و تفسیری ظاهراً به برداشت‌های متفاوت از استثنای این آیه می‌رسیم که لازم است مراد حقیقی شارع از تعبیر فاحشه مبینه تبیین شود.

با تتبع در منابع کتابخانه‌ای، اثری را که به خصوص به این موضوع پرداخته باشد نمی‌یابیم، بلکه در برخی نوشتارها نهایتاً یا معنی فاحشه در قرآن را تبیین کرده‌اند، مانند مقاله «معناشناسی واژه فاحشه از منظر تفاسیر» از سید عباس سیدکریمی، که در فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن، و حدیث چاپ شده است و به معنی فاحشه در آیات مختلف پرداخته و آن را مطلق گناه دانسته یا مانند مقاله «معناشناسی واژه فاحشه در قرآن» که در نشریه حسنا به چاپ رسیده و در پایگاه حوزه بارگزاری شده است تنها به معنی فاحشه مبینه در آیه ۳۰ سوره احزاب، که در مورد همسران پیامبر نازل شده، پرداخته‌اند که به نظر می‌رسد مصادیق فاحشه مبینه در آنجا اعم از آیه اول سوره طلاق است.

## مفهوم‌شناسی

طلاق رجعی به طلاق گفته می‌شود که در زمان عده طلاق‌دهنده می‌تواند به همسرش رجوع کند؛ حال چه رجوع بکند چه نکند. این نوع از طلاق در برابر طلاق بائن است که در آن مرد حق ندارد بدون عقد مجدد به زن رجوع کند (مشکینی، ۱۴۳۱ ق: ۳۵۷). مطلقه رجعیه به زنی گفته می‌شود که از همسر خود جدا شده است و طلاق آن‌ها از نوع رجعی بوده است و در مدت عده قرار گرفته است و هنوز مدت زمان عده او به اتمام نرسیده است و در این مدت زمان مطلقه رجعیه از حق و حقوق قانونی خاصی برخوردار است.

فاحشه مبینه در لغت به معنی عمل قبیح آشکار است (ابن الاثیر، ۱۳۶۴ ش، ج ۳: ۲۱۵). لکن مراد شارع از این تعبیر موضوع این نوشتار است که مفصلاً به آن پرداخته خواهد شد.

## معناشناسی فاحشه در کلام اهل لغت

در مورد معنی فاحشه نزد لغویین چند نظر وجود دارد که به بیان آن می‌پردازیم:

۱. هر چه از حدش تجاوز کند.

«الفحشاء: الفاحشه. و كل شيء جاوز حدّه فهو فاحش ... و يسمى الزنى فاحشه» (الجوهري، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۱۰۱۴)؛ یعنی هر چیزی که از اندازه خویش تجاوز کرد فاحش خوانده می‌شود. بنا بر این تعریف، مناسب است هر گناهی فاحش و فاحشه خوانده شود. زیرا بنده عاصی پا را از حد خود بیرون نهاده و از حد بندگی تجاوز کرده است.

۲. هر گفتار و رفتاری که زشتی زیادی داشته باشد.

«الفاحشه ما عظم قبحه من الأفعال و الأقوال» (راغب الاصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۷۴)؛ یعنی فاحشه عبارت است از کردار و گفتار بسیار زشت. ابن اثیر که از قائلین به این معنی است می‌گوید: «و قد تكرر الفحش و الفاحشه و الفواحش في الحديث، و هو كل ما يشتد قبحه من الذنوب و المعاصي و كثيراً ما ترد الفاحشة بمعنى الزنا. و كل خصلة قبيحة فهي فاحشه من الأفعال و الأفعال» (ابن الاثير، ۱۳۶۴ ش، ج ۳: ۲۱۵). ظاهراً «من الذنوب و المعاصي» بیان برای «ما» است. مراد این است که هر چیز زشت از گناهان فاحشه و فحش و فواحش نامیده می‌شود. البته در مواردی «فاحشه» به زنا اطلاق می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۳۴ - ۳۵) و هر خصلت زشت خواه در گفتار و خواه در کردار فاحشه نامیده می‌شود. بنابراین هر گناهی فاحشه است. همچنین در قاموس المحيط شبیه همین تعابیر آمده است. با این تفاوت که ابتدا فاحشه را به معنی زنا می‌آورد؛ ولی از توضیحاتی که می‌دهد برداشت می‌شود که زنا را به عنوان یک مثال می‌آورد. چون حتی بخل را هم مصداق فاحشه می‌داند. «الفاحشه: الزنى و ما يشتد قبحه من الذنوب و كل ما نهى الله عزوجل عنه. و الفحشاء: البخل في اداء الزكاه. و الفاحش: البخل جداً و قد فحش، ككرم، فحشا. و الفحش: عدوان الجواب» (فیروزآبادی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲: ۲۸۲). ظاهراً «من الذنوب» بیان برای «ما» باشد. یعنی فاحشه عبارت است از چیز بسیار زشت؛ مانند گناهان و هر آنچه خداوند آن را نهی کرده است. در این صورت به هر گناهی فاحشه اطلاق می‌شود. احتمال دیگر اینکه «من» برای تبعیض باشد و مقصود از آن گناهی است که زشتی آن در میان گناهان بیشتر است.

۳. هر عمل زشتی را شامل می‌شود بسته به مقداری که سرزنش دیگران را برمی‌انگیزد و از آن نهی می‌شود.

«الفاحشه عبارة عن القبيح على قدر موقع النهي و مبلغ الزجر» (شريف الرضى، ۱۴۰۶ ق: ۳۱۸)؛ یعنی فاحشه عبارت است از زشتی بسته به میزان نهی و میزان ملامت. از گفتار اهل لغت چنین برمی‌آید که زشتی‌ها بر دو قسم است: برخی زشت‌تر و برخی زشت. و لفظ فاحشه برای قسم اول وضع شده است. اما وجود این تقسیم‌بندی در محیط شرع، یعنی گناهان و معاصی، محل تردید است. زیرا تقسیم معاصی به دست شرع مقدس است نه عرف. شارع است که روشن می‌سازد کدام گناه قبیح و کدام قبیح‌تر است. چون گناه مخالفت با شارع است. بنابراین شدت قبح گناهان را شارع باید مشخص کند و چنین تقسیم‌بندی‌ای انجام نگرفته است. نکته دیگری که در مجموع اقوال مشهود است آن است که فاحشه خصوص زنا نیست بلکه زنا یکی از مصادیق آن و بلکه مصداق تام و کامل آن است که در فحشا بودن این گناه تردیدی نیست و از این‌روست که بسیاری از لغویین آن را به عنوان مثال می‌آورند. بنابراین معنی حقیقی فاحشه از نظر لغویین هر گونه گناهی است که زشتی آن زیاد باشد. برای روشن شدن معنای فاحشه، غیر از تتبع در لغت، باید موارد استعمال این واژه در قرآن را جست‌وجو کرد.

### مؤیدات کاربرد واژه فاحشه به معنی زنا در قرآن

کلمه «فاحشه» به معنای کاری است که در نهایت زشتی و قباحت باشد؛ مانند آزار و اذیت کردن پیامبر<sup>(ص)</sup>، تهمت، غیبت، و دیگر گناهان کبیره (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶: ۳۰۷). به بیان دیگر، بعضی از گناهان فقط معصیت شرعی است که آن‌ها را «منکر» می‌گویند و در مقابل آن «معروف» است. اما برخی دیگر از گناهان، علاوه بر حرمت شرعی، قبح عقلی هم دارد. این نوع گناهان را «فحشا» می‌گویند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۹۸). شاهد آن سخن خداوند است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يُنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ» (نحل / ۹۰) که فحشا را از منکر جدا می‌کند.

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که به چه دلیلی برخی از عامه کلمه «فاحشه» موجود در این آیه را به معنای زنا تفسیر کرده‌اند؟ در جواب می‌گوییم در بعض آیات کلمه «فاحشه» (نه فاحشه مبینه) به روشنی بر معنای زنا دلالت دارد. برخی از این آیات چنین است: «و اللّٰتِي يَأْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» (نسا/

۱۵)، «فَإِذَا أَحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ» (نسا/ ۲۵)، «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِذْ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا» (اسراء/ ۳۲). البته این آیه چنین دلالتی ندارد که فاحشه خصوص زنا است.

### استعمال واژه فاحشه مبینة در قرآن

تعبیر «فاحشه مبینة» در مجموع سه بار در قرآن استعمال شده است.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَزْنُوا النِّسَاءَ كَزَهَاءِ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ» (نسا/ ۱۹). در اینکه منظور از فاحشه مبینة (عمل زشت آشکار) در آیه فوق خصوص اعمال منافی عفت است یا هر گونه ناسازگاری شدید در میان مفسران گفت‌وگو است. ولی در حدیثی که از امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل شده تصریح شده هر گونه مخالفت شدید زن و نافرمانی و ناسازگاری او را شامل می‌شود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۵۷). البته منظور هر مخالفت جزئی نیست. زیرا در مفهوم کلمه «فاحشه» اهمیت و فوق‌العادگی نهفته است و ذکر کلمه «مبینة» نیز آن را تأکید می‌کند (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۸).
۲. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (احزاب/ ۳۰). در تفسیر نمونه آمده است این آیه در مورد زنان پیامبر است که در آن منظور از «فاحشه مبینة» گناهان آشکار است و می‌دانیم مفاسد گناهایی که از افراد باشخصیت سرمی‌زند بیشتر در زمانی خواهد بود که آشکارا باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۷: ۳۰۵). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید کلمه فاحشه در جمله «مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ»، هر یک از شما که گناهی آشکار مرتکب شود، به معنای عملی است که در زشتی و شناعة به نهایت رسیده باشد؛ مانند آزار دادن به رسول خدا<sup>(ص)</sup>، افتراء غیبت، و امثال این‌ها (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۳۰۷). شیخ طبرسی در مجمع البیان نیز همین بیان را دارد (طبرسی، ۱۳۴۷، ج ۸: ۵۵۵).
۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ» (طلاق/ ۱). در مورد تعبیر فاحشه مبینة در این آیه که محل بحث است در ذیل به تفصیل خواهیم پرداخت.

### معانی مطرح‌شده در رابطه با «أَلَا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ» (طلاق/ ۱)

در رابطه با تعبیر «فاحشه مبینة» در این آیه معانی متعددی ذکر شده است.

معنای اول: مراد از فاحشه مبینة زنا است. در این صورت زن تنها برای اجرای حد از خانه خارج می‌شود، بدون آنکه حق سکناى او ساقط شود. ابن قتیبه در تفسیر خود، غریب القرآن، می‌گوید: «فتخرج ليقام عليها الحد» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۰۴). در مقابل برخی دیگر گفته‌اند معنای آیه چنین است که اگر زنی مرتکب زنا شد، حق سکناى او ساقط می‌شود؛ چون حق سکنی به زن عقیفه تعلق دارد. در تفسیر بیضاوی در توضیح این استثنا آمده است: «و قوله: «إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ» مستثنی من الأول و المعنى إلا أن تبذو على الزوج فإنه كالنشوز فى إسقاط حقها أو إلا أن تزنى فتخرج لإقامه الحد عليها» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۲۲۰). یعنی اگر معنای آیه این باشد که زن به سبب اجرای حد از خانه خارج می‌شود، در این صورت، استثنای از اول (لا تخرجوهن) خواهد بود. لکن حاشیة الشهاب (که حاشیة‌ای بر تفسیر بیضاوی است) اشکال می‌کند و می‌گوید اگر مراد آیه خروج زن از خانه به سبب اجرای حد باشد، در این صورت، تنها از «لا تخرجوهن» استثنا نشده است بلکه از «لا یخرجن» هم استثنا صورت گرفته است (خفاجی، بی‌تا، ج ۸: ۱۲۸).

معنای دوم: فاحشه مبینة به معنی نشوز است و زنا و سوءخلق مصداق نشوز است. از آنجا که زنا مصداق نشوز است، حق سکنی زن ساقط می‌شود. از کلام سید یزدی چنین برداشت می‌شود که ایشان آیه «أَلَا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ» را «أَلَا أَنْ تَكُونَ المرأه ناشزه» معنا می‌کند. از این رو اگر زنی با شوهر خود بداخلاقی کند، مشمول این آیه خواهد شد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۱۷). و از آنجا که زنا و سوءخلق مصداق نشوز است، موجب ساقط شدن حق سکنی می‌شود. همان‌طور که مطلق نشوز موجب اسقاط حق سکناى زوجه می‌شود، در زمان عده نیز این حق را از زن ساقط می‌کند. کتاب مقاتل فاحشه مبینة را چنین توضیح می‌دهد: «العصیان البین و هو النشوز» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۳۶۳). پس سوءخلق زن نسبت به مرد و خانواده او فاحشه مبینة است و این عمل حق سکناى او را ساقط می‌کند. در احکام القرآن شافعی چنین آمده است: «قال الشافعی: و



بن اسباط صحیح بوده است. بنابراین ایشان مورد وثوق است. همین روایت در مجمع البیان از علی بن اسباط از امام رضا (بدون واسطه شدن محمد بن علی بن جعفر) نقل شده است: «روی علی بن اسباط عن ابي الحسن الرضا قال الفاحشه أن تؤذی أهل زوجها و تسبهم» (طبرسی، ۱۳۴۷، ج ۱۰: ۴۵۸). اصل این روایت از تبیان شیخ طوسی است. شیخ می‌فرماید: «در مروی از امام باقر و امام صادق فاحشه به معنای زنی است که سوءخلق داشته باشد» (طوسی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۱). قال ابن عباس «الفاحشه النداء علی أهلها و هو المروی عن ابي جعفر و ابي عبدالله».

۲. روایات دال بر معنی زنا:

ابن بابویه فی (القیه) قال: «سئل الصادق عن قول الله عزوجل: لا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ، قال: إِلَّا أَنْ تَزْنِي فَيَقَامَ عَلَيْهَا الْحَدُّ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۴۹۹). طبق این روایت، فاحشه مبینة زنايي است که با حد آشکار شده باشد. این روایت مرسله است و اگرچه از شیخ صدوق نقل شده است، همه فقها مراسلات صدوق را معتبر نمی‌دانند.

۳. روایات دال بر مطلق معصیت:

تا اینجا ذکر شد که در بعض روایات مرسل (مانند مرسله صدوق) «فاحشه مبینة» به زنا تفسیر شده است. در بعض روایات ضعیف السند (روایت علی بن ابراهیم عن ابیه عن بعض اصحابه عن ابی الحسن الرضا و نیز روایت محمد بن علی بن جعفر عن الرضا) این عبارت به «بدخلقی» تفسیر شده است. اگر این روایات از جهت سندی صحیح بود، جمع عرفی بین آنها ممکن بود؛ به این بیان که هر یک از روایات یادشده مثالی از فاحشه مبینة را ذکر کرده‌اند. مثلاً می‌توان گفت روایتی که فاحشه مبینة را به معنای بدخلقی دانسته فرد خفی فاحشه مبینة را ذکر کرده است کما اینکه تفسیر آن به زنا (که در روایات دیگری آمده بود) بیان فرد جلی است. به نظر می‌رسد تفسیر علی بن ابراهیم درصدد بیان این نکته است. عبارت تفسیر قمی چنین است: «وَ مَعْنَى الْفَاحِشَةِ أَنْ تَزْنِي أَوْ تُشْرِفَ عَلَى الرِّجَالِ وَ مِنَ الْفَاحِشَةِ أَيْضاً السَّلَاطَةُ عَلَى زَوْجِهَا فَإِنَّ فَعَلْتَ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ حَلَّ لَهُ أَنْ يُخْرِجَهَا» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۷۴). ممکن است اشکال ضعف این روایات را چنین جواب داد: این روایات تفسیری هستند و در چنین روایاتی داعی بر کذب وجود ندارد. از این رو می‌توان گفت این روایات از ائمه صادر شده است. در جواب این اشکال عرض می‌کنیم اگرچه ممکن است در چنین روایاتی داعی بر کذب وجود نداشته باشد، این احتمال وجود دارد که برخی از روات روایتی را از عامه شنیده باشند، اما به اشتباه آن را به امام نسبت دهند. ابن ابی عمیر می‌گوید برخی از اصحاب مطالبی را از عامه شنیده‌اند اما خلط کرده و آن را به امام نسبت داده‌اند. از این رو با این بیان نمی‌توان اطمینان به صدور این روایات پیدا کرد بلکه باید با قرائن دیگری مراد از فاحشه را روشن ساخت. البته در تبیین تعبیر فاحشه مبینة تفاسیر دیگری هم وجود دارد که کمتر به آن توجه شده است.

۴. فاحشه مبینة یعنی خروج بر امام:

روایت اول: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» قَالَ: الْفَاحِشَةُ الْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹۳). این روایت علی بن ابراهیم در کتب دیگری نیز نقل شده است (تفسیر برهان، ج ۴: ۴۴۱؛ بحار الانوار، ج ۲۲: ۱۹۹، ج ۲۳: ۲۷۷؛ نور الثقلین، ج ۴: ۲۶۸؛ کنز الدقائق، ج ۱۰: ۳۶۸). در این روایت، که در کتب روایی متعدد آمده، فاحشه مبینة را در آیه ۳۰ سوره احزاب به معنی خروج مسلحانه بر امام دانسته است.

روایت دوم: «قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَجَمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ كَرَامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ لِي أَتَدْرِي مَا الْفَاحِشَةُ الْمُبَيَّنَةُ قُلْتُ لَا قَالَ قِتَالُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَعْنِي أَهْلَ الْجَمَلِ» (مشهدی، ۱۳۹۶، ج ۱۰: ۳۷۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ ق: ۴۴۶). این دو روایت که در تفسیر تعبیر فاحشه مبینة در آیه ۳۰ سوره احزاب آمده به ماجرای جمل اشاره دارند. کتاب تأویل الآيات این روایت را از محمد بن عباس (ابن ماهیار) نقل کرده است. تفسیر ابن ماهیار به دست صاحب تأویل الآيات رسید و او روایات بسیاری را از این کتاب نقل می‌کند. تفسیر ابن ماهیار در دست سید بن طاووس نیز بوده و ایشان نیز از این کتاب تفسیری روایاتی را نقل کرده است. همچنین در کتاب مختصر الدرجات، متعلق به سعد بن عبدالله، نیز روایاتی از این کتاب تفسیری وجود دارد. مجموعه این نقلیات در فهم سند روایت مفید است (شیری، ۱۳۹۷/۰۷/۱۴).

## – جمع بین روایات

علی بن ابراهیم در کتاب تفسیر خود بین روایت مرسله فقیه و سایر روایات جمع کرده است. عبارت ایشان چنین است: «لا یحل لرجل أن ینزل امرأته إذا طلقها و كان له علیها رجعة من بیته، و هی ایضا لا یحل لها أن تخرج من بیته إلا أن یأینن بفاحشیه مبیته و معنی الفاحشه أن تزنی أو تسرق علی الرجل، و من الفاحشه ایضا السلاطه علی زوجها، فإن فعلت شیئا من ذلك حل له أن ینزلها» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۴۰۷). البته عبارتی که در تفسیر قمی وجود دارد با عبارتی که در کتاب البرهان نقل شد اندکی تفاوت دارد. عبارتی که در تفسیر قمی وجود دارد چنین است: «لَا یَجِلُّ لِرَجُلٍ أَنْ یُخْرِجَ امْرَأَتَهُ إِذَا طَلَّقَهَا وَ كَانَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعُهُ مِنْ بَيْتِهِ وَ هِيَ أَيْضاً لَا یَجِلُّ لَهَا أَنْ تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا أَنْ یَأْتِنَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِیِّنَةٍ وَ مَعْنَى الْفَاحِشَةِ أَنْ تَزْنِيَ أَوْ تُشْرِفَ عَلَى الرِّجَالِ وَ مِنْ الْفَاحِشَةِ أَيْضاً السَّلَاطَةُ عَلَى زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ حَلَّ لَهُ أَنْ یُخْرِجَهَا» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۷۴).

## اقوال فقهاء در مسئله

مرحوم شیخ مفید در مقنعه بحث استحقاق حد را مطرح کرده است (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۳۳). شیخ طوسی نیز در نهاییه استحقاق حد را مطرح می کند و ایذاء اهل رجل را به روایت نسبت می دهد و ظاهراً به آن فتوا می دهد؛ یعنی آن روایت را قابل استناد می داند (طوسی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۵۳۴). در مهذب این براج از تعبیر «قد روی» استفاده شده است (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۳۱۸). در کتاب *روض الجنان* فرموده اند: «و در اخبار ما آمده است که از جمله فاحشه و کمینه او آن بود که اهل مرد را به زبان برنجاند» (رازی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۲۹۶). این عبارت در فتوا دادن ظهور دارد.

در کتاب *خلاف*، «فاحشه» به این صورت معنا شده است: «الفاحشه التي تحل إخراج المطلقة من بیت زوجها أن تشتتم أهل الرجل و تؤذیهم و تبدو علیهم و به قال ابن عباس. و إليه ذهب الشافعی. و قال ابن مسعود: الفاحشه أن تزنی، فتخرج و تحد، ثم ترد إلى موضعها. و به قال الحسن البصری. دلیلنا: عموم الآیه و إجماع الفرقه.» (شیخ طوسی، ۱۳۹۴، ج ۵: ۷۰). ایشان در مبسوط می فرماید: «هو أن تبذو علی بیت أحمائها و تشتتمهم علی خلاف فیه» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۵۳).

عبارت غنیه چنین است: «حکم العده فی الطلاق الرجعی أن لا تخرج المرأة من بیت مطلقها إلا بإذنه، و لا یجوز له إخراجها منه إلا أن تؤذیه، أو تأتي فیه بما یوجب الحد، فیخرجها لإقامته و یردها، و لا تبیت إلا فیه، و لا یردها إذا أخرجها للأذی، و روی أن أقل ما یحصل به الأذی أن تخاصم أهل الرجل.» (حلی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۳۸۵). ایشان در این عبارت فتوا می دهد که به سبب اذی می توان او را اخراج کرد و در ادامه عبارت «رؤی» ان اقل ما یحصل به الأذی ان تخاصم اهل الرجل را مصداق ما یحصل به الأذی قرار داده اند. لکن نسبت دادن این کلام به «رؤی» اجتهاد در اجتهاد است. زیرا اصل این عبارت از نهاییه شیخ می باشد که می فرماید: «إذا طلق الرجل امرأته طلاقاً یملک فیه رجعتها، فلا یجوز له أن ینزلها من بیته، و لا لها أن تخرج إلا أن تأتي بفاحشیه مبیئیه. و الفاحشیه أن تفعل ما یجب فیه علیها الحد. فإذا فعلت ذلك، أخرجت، و أقیم علیها الحد. و قد روی أن أدنی ما یجوز له معه إخراجها أن تؤذی أهل الرجل. فإنها متى فعلت ذلك، جاز له إخراجها» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۵۳۴). لکن عبارت شیخ اجتهاد در روایت است. از این رو عبارت غنیه اجتهاد در اجتهاد خواهد بود. عبارت *اصباح الشریعه* کیدری نیز عین عبارت غنیه است (کیدری، ۱۴۱۶: ۴۶۷).

عبارت *سراثر* مطلب جدیدی دارد. عبارت ایشان چنین است: «حکم العده فی الطلاق الرجعی أن لا تخرج المرأة من بیت مطلقها إلا بإذنه، و لا یجوز له إخراجها منه فیه و لا یجوز له إخراجها منه الا ان تؤذی اهله أو تأتي فیه بما یوجب الحد فیخرجها لإقامته و لا یجب علیه ردها الیه. و قال بعض أصحابنا: ینزلها لإقامته، و یردها، و لا تبیت إلا فیه، و لا یردها إذا أخرجها للأذی. و الأظهر أن لا یردها فی الموضعین، لأن ردها یحتاج إلى دلیل» (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۷۳۷). از عبارت *سراثر* استفاده می شود مسقط حق سکنی دو چیز است: ۱. اجرای حد؛ ۲. اذی الزوج. لکن اختصاص این مطلب به این دو روشن نیست (شیرازی، ۱۳۹۷/۰۷/۱۶).

از مجموع روایات و آرای فقهاء به نظر می رسد اگرچه در آیات دیگر قرآن مراد از فاحشیه مبیئیه هر گناه آشکاری است، در این آیه فقهاء غالباً به مواردی اشاره کرده اند که زن حق الناس، اعم از حق شوهر و اهل او، را رعایت نمی کند یا مواردی که مرتکب

تعدی از حدود الهی می‌شود که مستلزم اجرای حد است. با توجه به مثال‌هایی که فقها و مفسرین از فاحشه مبینة زده‌اند، این نکته متبادر به ذهن می‌شود که مصداق فاحشه مبینة در این آیه، که مستثنی از حکم وجوب سکونت در منزل شده است، با دیگر آیات قرآن متفاوت است و شامل هر گناه آشکاری نمی‌شود؛ بلکه گناهی را در بر می‌گیرد که یا مستلزم اجرای حد هستند و زن ناگزیر است که برای اجرای آن‌ها از منزل خارج شود یا جایی است که حضور زن در منزل طلاق موجب اضرار به دیگران اعم از زوج یا خانواده و در نتیجه تضییع حق الناس می‌شود که به دلیل قاعده لاضرر باید از آن جلوگیری کرد. و چاره آن تغییر محل سکونت زن است. و در دیگر گناهان دلیلی برای تغییر محل سکونت زن وجود ندارد.

### نتیجه

- شش آیه اول سوره طلاق در رابطه با احکام طلاق است.
- یکی از مسائلی که در آیه اول سوره طلاق به آن پرداخته شده حکم بقای زن مطلقه رجعیه در منزل طلاق است که آن را واجب دانسته است.
- تنها موردی که مطلقه رجعیه می‌تواند از منزل طلاق خارج شود جایی است که مرتکب فاحشه مبینة شده باشد.
- در اینکه معنی فاحشه مبینة چیست بین لغویون و همچنین مفسرین و فقها اختلاف نظر وجود دارد.
- برخی آن را بدرفتاری با شوهر و برخی آزار و اذیت و دشنام خانواده شوهر دانسته‌اند. برخی گناه و جرمی که مستوجب حد خوردن باشد و برخی جرم منافی عفت (زنا) دانسته‌اند و حتی برخی آن را خروج بر امام می‌دانند.
- قائلین به هر یک از نظرات فوق به ادله فقهی و به‌خصوص روایات استناد می‌کنند.
- نظر صائبی که پس از مطالعه و تحقیق در مراد از فاحشه مبینة به آن می‌رسیم آن است که معنی فاحشه مبینة همان گناه آشکار است. اما مصادیق آن در این آیه با آیات دیگر قرآن متفاوت است و شامل تمام گناهان آشکار نمی‌شود.
- از مثال‌های فقها و مفسرین درباره مصادیق فاحشه مبینة به این نتیجه می‌رسیم که این تعبیر شامل گناهی می‌شود که مستحق حد است. در این صورت برای اجرای حد از منزل خارج می‌شود و پس از اجرای حد به همان منزل برمی‌گردد یا جایی است که حضور زن در منزل طلاق موجب اضرار به دیگران اعم از زوج یا خانواده و در نتیجه تضییع حق الناس می‌شود که به دلیل قاعده لاضرر باید از آن جلوگیری کرد. و چاره آن تغییر محل سکونت زن است. و از آنجا که گناهان دیگر زن منافاتی با سکونت در منزل طلاق ندارد، فاحشه مبینة در آیه اول سوره طلاق معنی مضیق‌تری نسبت به این تعبیر در آیات دیگر دارد و فقط شامل همین دو دسته از گناهان می‌شود.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن الاثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۴ ش). *النهايه فى غريب الحديث*. بيروت: مكتبة العلميه
- ابن بابويه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). *من لا يحضره الفقيه*. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامى
- بحرانى، سيد هاشم (۱۴۱۵ ق). *البرهان فى تفسير القرآن*. قم: مركز الطباعة و النشر.
- بيضاوى، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). *انوار التنزيل و اسرار التأويل*. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۷۱). درس تفسير. سايت مدرسه فقاھت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). درس تفسير. سايت مدرسه فقاھت.
- جوهرى فارابى، اسماعيل بن حماد (۱۴۰۴ ق). *تاج اللغة و الصحاح العربيه*. ج ۳. بيروت: دارالعلم.
- حسينى استرآبادى، سيد شرف الدين على (۱۴۰۹). *تأويل الآيات الظاهره*. قم: مؤسسه امام مهدي.
- حلي، حمزه بن على (۱۴۱۷ ق). *غنيه النزوع*. قم: مؤسسه امام صادق.
- حلي، ابن ادریس (۱۴۱۰ ق). *السرائر*. ج ۲. قم: مؤسسه نشر اسلامى.
- خفاجى، شهاب الدين احمد بن محمد (بی تا). *حاشيه الشهاب على تفسير البيضاوى*. بيروت: دار صادر.
- رازى، ابوالفتوح (۱۳۶۵). *روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن*. مشهد: بنياد پژوهش های اسلامى آستان قدس رضوى.
- راغب الاصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۰۴ ق). *المفردات فى غريب القرآن*. ج ۲. تهران: دفتر نشر كتاب.
- شافعى، محمد بن ادریس (بی تا). *احكام القرآن*. قم: دار الكتب العلميه.
- شبيرى، سيد جواد (۱۳۹۷). درس خارج فقه. سايت مدرسه فقاھت.
- شريف الرضى، محمد بن الحسين (۱۴۰۶ ق). *حقائق التأويل فى متشابه التنزيل*. بيروت: دارالمهاجر.
- طباطبایى، سيد محمد حسين (۱۳۷۸). *تفسير الميزان*. مترجم: سيد محمدباقر موسوى همدانى. ج ۱۱. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ ق). *الميزان فى تفسير القرآن*. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- طباطبایى يزدى، سيد محمد كاظم (۱۴۱۴ ق). *تكملة العروه الوثقى*. قم: مكتبة الداورى.
- طبرسى، فضل بن حسن (۱۳۴۷). *مجمع البيان فى تفسير القرآن*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طرابلسى، ابن براج (۱۴۰۶). *المهذب*. قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
- طوسى، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فى فقه الإمامى*. تهران: المكتبة المرتضويه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *التبيان فى تفسير القرآن*. قم: آل البيت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). *الخلاف*. قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ ق). *النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى*. بيروت: دار الكتب العربى.
- طيب، سيد عبدالحسين (۱۳۷۸). *اطيب البيان فى تفسير القرآن*. ج ۲. تهران: اسلام.
- عروسى حويزى، عبد على بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسير نور الثقلين*. ج ۴. قم: اسماعيليان.
- عكبرى بغدادى، محمد بن نعمان (شيخ مفيد) (۱۴۱۰). *المقنعه*. ج ۲. قم: مؤسسه نشر اسلامى.
- فيروزآبادى، محمد بن يعقوب (۱۴۱۹ ق). *القاموس المحيط*. بيروت: مؤسسه الرساله.
- قرايتى، محسن (۱۳۷۴). *تفسير نور*. مشهد: مؤسسه راه حق.
- قمى، على بن ابراهيم (۱۳۶۳). *تفسير القمى*. قم: دار الكتاب.
- كشى، محمد بن عمر (۱۳۴۸ ش). *اختيار معرفه الرجال*. مشهد: مركز تحقيقات و مطالعات.
- كلينى، محمد بن يعقوب (۱۳۷۵). *كافى*. ج ۳. قم: اسوه.
- كيدرى، محمد بن حسين (۱۴۱۶ ق). *إصباح الشيعه بمصباح الشريعه*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- مشكينى، على (۱۴۳۱ ق). *مصطلحات الفقه و اصطلاحات الاصول*. بيروت: منشورات الرضا.
- مشهدى، ميرزا محمد (۱۳۹۶ ق). *تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- مقاتل بن سليمان (۱۴۲۳ ق). *تفسير مقاتل بن سليمان*. بيروت: دار احياء التراث.
- مكارم شيرازى، ناصر (۱۳۸۰). *تفسير نمونه*. ج ۳۲. تهران: دار الكتب الاسلاميه.

مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی (۱۳۹۲). فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت علیهم‌السلام. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۸ ق). رجال نجاشی. بیروت: دارالأضواء.  
نجفی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). جواهرالکلام، ج ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

## Reference

The Holy Quran

- Arousi Howayzi, A.A. J. (1415 AH). *Tafsir Nur al-Thaqalayn*. 2<sup>nd</sup> edition. Qom: Ismailiyan. (in Arabic)
- Bahrani, S. H. (1415 AH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Center for Printing and Publishing. (in Arabic)
- Baydawi, A. O. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. (in Arabic)
- Da'irah al-Ma'arif al-Fiqh al-Islami Foundation (1392 SH). *Farhang-e Fiqh Mutabiq ba Mazhab Ahl al-Bayt 'Alayhim al-Salam*. (in Persian)
- Fayruzabadi, M. Y. (1419 AH). *Al-Qamus al-Muhit*. Beirut: Al-Risalah Foundation. (in Arabic)
- Hilli, I. I. (1410 AH). *Al-Sarā'ir*. 2<sup>nd</sup> edition. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic)
- Husseini Astrabadi, S. Sh. A. (1409 AH). *Ta'wil al-Ayat al-Zahirah*. Qom: Imam Mahdi Institute. (in Arabic)
- Ibn al-Athir, M. M. (1364 SH). *Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith*. Beirut: Maktabat al-Ilmiyyah. (in Arabic)
- Javadi Amoli, A. (1992). *Tafsir Lessons*. Feqahat School website.  
----- (2018). *Tafsir Lessons*. Feqahat School website.
- Jawhari al-Farabi, I. H. (1404 AH). *Taj al-Lughah wa al-Şihāh al-'Arabiyyah*. 3<sup>rd</sup> edition. Beirut: Dar al-Ilm. (in Arabic)
- Kashshi, M. U. (1348 SH). *Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal*. Mashhad: Center for Research and Studies. (in Arabic)
- Kaydari, M. H. (1416 AH). *Isbah al-Shi'ah bi-Misbah al-Shari'ah*. Qom: Imam Sadiq (AS) Institute. (in Arabic)
- Khafaji, Sh. A. M. (n.d.). *Hāshiyat al-Shihāb 'alā Tafsir al-Baydāwī*. Beirut: Dar Sadir. (in Arabic)
- Kulayni, M. Y. (1375 SH). *Al-Kaḥfi*. 3<sup>rd</sup> edition. Qom: Osveh. (in Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (1380 SH). *Tafsir Namuna*. 32<sup>nd</sup> edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (in Persian)
- Mashhadi, M.M. (1396 AH). *Tafsir Kanz al-Daqā'iq wa Bahr al-Gharā'ib*. Qom: Qom Seminary Teachers Association Publications. (in Arabic)
- Mishkini, A. (1431 AH). *Mustalahat al-Fiqh wa Mustalahat al-Usul*. Beirut: Al-Ridha Publications. (in Arabic)
- Muqatil bin Sulayman (1423 AH). *Tafsir Muqatil bin Sulayman*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath. (in Arabic)
- Najashi, A. A. (1408 AH). *Rijal al-Najashi*. Beirut: Dar al-Adwa'. (in Arabic)
- Qara'ati, M. (1374 SH). *Tafsir Noor*. Mashhad: Haqq Institute. (in Persian)
- Qummi, A. I. (1363 SH). *Tafsir al-Qummi*. Qom: Dar al-Kitab. (in Arabic)
- Ragheb al-Isfahani, H. M. (1404 AH). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. 2<sup>nd</sup> edition. Tehran: Ketab Publication Office. (in Arabic)
- Razi, A. F. (1365 SH). *Rawḍ al-Jinan wa Rawḥ al-Jinan fi Tafsir al-Qur'an*. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. (in Arabic)
- Shafi'i, M. I. (n.d.). *Aḥkām al-Qur'an*. Qom: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (in Arabic)
- Sharif al-Radi, M. H. (1406 AH). *Ḥaqā'iq al-Ta'wil fi Mutashābih al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Muhajir. (in Arabic)
- Shobeiri, S. J. (2018). *Advanced Jurisprudence Lessons*. Feqahat School website
- Tabarsi, F. H. (1347 SH). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Tehran University Publications. (in Arabic)
- Tabataba'i Yazdi, S. M.K. (1414 AH). *Takmilat al-'Urwah al-Wuthqa*. Qom: Maktabat al-Dawari. (in Arabic)
- Tabataba'i, S. M.H. (1378 SH). *Tafsir Al-Mizan*. Translated by Sayyid Muhammad-Baqir Mousavi Hamadani. 11<sup>th</sup> edition. Qom: Islamic Publications Office. (in Persian)  
----- (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. 5<sup>th</sup> edition. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Tayyib, S. A.H. (1378 SH). *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. 2<sup>nd</sup> edition. Tehran: Islam. (in Arabic)
- Terablosi, I.B. A.A. (1406 AH). *Al-Muhaṣṣad*. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic)
- Tusi, M. H. (1387 AH). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah*. Tehran: Al-Maktabah al-Mortadawiyah. (in Arabic)  
----- (1389 SH). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Ahl al-Bayt. (in Arabic)  
----- (1394 SH). *Al-Khilaf*. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic)  
----- (1400 AH). *Al-Nihayah fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatawa*. Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi. (in Arabic)
- 'Ukbari Baghdadi, M. N. (Shaykh Mufid) (1410 AH). *Al-Muqni'ah*. 2<sup>nd</sup> edition. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic)